

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ •
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ •
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ •
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ •
چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۱ • ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ • ۷ نوامبر ۲۰۲۲ •
سال بیستم • شماره ۴۴۱۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۳ •
اذان صبح فردا ۵:۰۷ • طلوع آفتاب ۶:۳۳

شترت

دیالوگ روز

جانوران شگفت‌انگیز- دیوید هیومن - ۲۰۲۲

اسکندر (کالوم تورنر): ما می‌تونیم برای درست‌کردن کارها تلاش کنیم.

این همون چیزیه که مهمه

و تو حاضر بودی خودتو در معرض خطر قرار بدی

تا تک غریبه رو نجات بدی، به نظرم تو آدمی هستی که دنیا الان نیاز داره.

گذشته‌خوانی

کلمه‌ای که غیرانسانی است

ایستنا، چند روز پیش بود که محمدرضا حیدرهای، سرپرست دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، از اصلاح و ابلاغ آیین‌نامه اجرائی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان خبر داد. او در بخشی از اظهارات خود بیان کرد که پیش از اصلاح این‌آیین‌نامه اجرائی، تکالیف دستگاه‌ها درخصوص کودکان مشخص شده بود؛ اما برخی از بندهای این ماده ایراداتی داشت که با همکاری وزارت رفاه پیگیر آن شدیم و به دنبال تصویب این اصلاحات، تکالیف دستگاه‌ها مشخص شده است.

حیدرهای همچنین در بخشی از تشریح موارد اصلاحی و الحاقی آیین‌نامه و با اشاره به ماده ۲۸ که در آن به وظیفه پلیس برای شناسایی طفل و نوجوان در معرض خطر یا بزه‌دیده اشاره شده، گفته بود: «در ماده مذکور شناسایی کودکان در معرض خطر یا بزه‌دیده تکلیف پلیس بود؛ حال با اصلاحات انجام‌شده عبارت «جمع‌آوری» نیز در اصلاح این ماده قانونی الحاق شده و براساس این پلیس موظف است تا علاوه بر شناسایی کودکان کار و خیابان به جمع‌آوری آنها با کمک سایر دستگاه‌ها ورود کند.»

سیدحسن موسوی‌چک ضمن انتقاد از موارد اصلاحی و الحاقی این آیین‌نامه و با بیان اینکه در سال ۱۳۷۸ مصوبه‌ای در شورای عالی اداری برای بی‌خانمان‌ها و متکدیان تصویب شد، گفت: «در آن مصوبه برای این افراد تفکیک سنی در نظر گرفته نشده بود، در همین راستا سازمان بهزیستی با شورای عالی اداری و وزارت کشور مکاتبه‌ای مبنی بر اینکه افراد زیر ۱۸ سال کودک‌اند و مصداق متکدیان و بی‌خانمان‌ها نیستند، انجام داد و به دنبال آن نیز تقاضا کرد تا مسئولیت کودکان با بهزیستی باشد.

در آن زمان تفاهم‌نامه‌ای نوشته شد که در سال ۸۴ به آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی تبدیل و در نهایت مسئولیت این کار به

بهزیستی واگذار شد. در واقع در آن زمان چند اتفاق افتاد؛ در ابتدا واژه «جمع‌آوری» کودکان حذف شد؛ گرچه به طور کلی درمورد واژه «جمع‌آوری» متکدیان و بی‌خانمان‌ها نیز موافق نیستم؛ زیرا واژه جمع‌آوری واژه‌ای غیرانسانی است، در نهایت با استدلال‌های ارائه‌شده از سوی سازمان بهزیستی پذیرفته شد که واژه «شناسایی و جذب» جایگزین «جمع‌آوری» شود و همچنین به جای نگاه جمع‌آوری به کودکان خیابانی، نگاه شناسایی و جذب مطرح باشد.»

موسوی‌چک در ادامه با اشاره به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و با بیان اینکه آیین‌نامه قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۴۰۰ نوشته شد، تصریح کرد: «قرار بود آیین‌نامه مذکور از سوی وزارت رفاه نوشته شود؛ اما معاونت این وزارتخانه این کار را به مرجع ملی حقوق کودک واگذار کرد و مرجع ملی حقوق کودک برای تدوین این‌آیین‌نامه با حضور نمایندگان دستگاه‌های مرتبط در ۵۰ روز (در نوبت صبح و عصر و گاهی شبانه به صورت مجازی) این آیین‌نامه را نوشت، آیین‌نامه‌ای که در آن جلسات موضوع جمع‌آوری کودکان در آن مطرح نبود.»

او ضمن اعتقاد از اینکه آیین‌نامه ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیازمند اصلاح بوده است، گفت: در آیین‌نامه ماده ۶ قانون حمایت از اطفال به موضوع کودکان کار و خیابانی نیز اشاره شد؛ چراکه آنها نیز بخشی از کودکانی که در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار دارند، هستند. در قانون نیز به‌صراحت به وضعیت کودکان در وضعیت مخاطره‌آمیز اشاره شده است.»

این مددکار اجتماعی با تأکید بر اینکه اصلاح آیین‌نامه ماده ۶

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان هیچ کمکی به اجرائی قانون نمی‌کند، تأکید کرد: «وزارت رفاه پیشنهادی برای اصلاح داد که به نظر می‌رسد این اصلاح پیشنهادی کارشناسی نداشته است؛ چراکه واژه «جمع‌آوری» کودکان خیابانی در آیین‌نامه اولیه مطرح نبود؛ اما در اصلاح به آیین‌نامه اضافه شد و این در حالی است که واژه جمع‌آوری معنی به کودک است. اضافه‌شدن واژه جمع‌آوری به آیین‌نامه به همین بازگشت به عهد قیابوس است. در آیین‌نامه قانون حمایت از اطفال و حتی در آیین‌نامه، ساماندهی کودکان خیابانی و مدیریت کار به بهزیستی داده شد و نه به پلیس. سپردن کار به پلیس (نیروی انتظامی) در قالب جمع‌آوری یعنی غلبه نگاه انتظامی درمورد کودکانی که مواجهه آنها با پلیس باید آخرین راهکار باشد.»

موسوی‌چک ادامه داد: «تلاش‌هایی در تدوین آیین‌نامه انجام شد که مسئولیت کار کودکان خیابانی با سازمانی اجتماعی به نام بهزیستی باشد و برخورد با کودکان برخوردی انسانی باشد و از سوی دیگر واژه جمع‌آوری در آیین‌نامه مطرح نشود، متأسفانه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بدون پشتوانه کارشناسی قانون آن را خراب کرد و آیین‌نامه‌ای را که می‌توانست نقطه عطفی در تاریخ کشور باشد، با دست خودشان به نقطه ضعف تبدیل کردند.»

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ •
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ •
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ •
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز

تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ •
چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۱ • ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ • ۷ نوامبر ۲۰۲۲ •
سال بیستم • شماره ۴۴۱۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۳ •
اذان صبح فردا ۵:۰۷ • طلوع آفتاب ۶:۳۳

برقراری ارتباط مؤثر با نسل Z



فارد باستانی

پژوهشگر و مدرس علوم ارتباطات و رسانه

این روزها، خانواده‌هایی که فرزند جوان و نوجوان دارند، دچار دردسر هستند. در هفته‌های اخیر، چند باری تماس گرفتند و از من خواستند که با پسرم بشنیم، حرف بزنم و نصیحتش کنم که در اعتراضات دانشگاه شرکت نکند. شماره‌شان نمی‌افتد، خودشان را هم معرفی نمی‌کنند و نمی‌گویند که از کجا تلفن می‌کنند. لابد حراست دانشگاه است یا جایی شبیه آن. بار آخر گفته که اگر گوش نکنید، پسرتان مهمان ما خواهد بود. گفتم فرزند من اصلا در تهران نیست؛ پسرم می‌گوید به خانواده همه دانشجویان زنگ می‌زنند. خدا را شکر، برای دخترم هنوز زنگ نزده‌اند. جوان‌ها سر پرشوری دارند و خانواده‌ها را مضطرب و دلپایس کرده‌اند.

از من می‌پرסند چگونه با این دهه‌هشتم‌ای‌ها یا نسل زد (Z)، ارتباط اثربخش برقرار کنیم؟ در این یادداشت می‌خواهم روش درست ارتباط با این فرزندان را به اختصار توضیح دهم. علی‌اصغر سیدآبادی، پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان ایران، معتقد است همیشه بین نوجوان و خانواده تنش‌هایی وجود دارد؛ اما خانواده ایرانی به‌تدریج نسبت به نوجوانان مهربان‌تر و پذیراتر شده. اکنون خانواده ایرانی از یک خانواده مردسالار به خانواده مدنی و دموکراتیک تبدیل شده؛ درحالی‌که قوانین و ساختارهای سیاسی و اجرائی کم‌اکنان مردسالارانه است. در خانواده و جامعه مدنی‌تر، نوجوانان صدای‌شان شنیده می‌شود؛ اما در ساختار سیاسی نه. ساختار سیاسی از جامعه و خانواده عقب افتاده است و بخشی از تنش‌ها، حاصل همین عقب‌افتادن است. در گذشته جامعه و خانواده و ساختار سیاسی در یک جبهه بودند و نوجوان در جبهه دیگری، الان خانواده و جامعه در برابر ساختار سیاسی از نوجوان حمایت می‌کنند. قبلا اگر مدیر مدرسه‌ای، والدین دانش‌آموز نوجوانی را احضار می‌کرد و تذکری می‌داد، والدین اغلب طرف مدرسه بودند، اما الان طرف دانش‌آموزند. این از منظر نظام تصمیم‌گیری در خانواده و همچنین حقوق کودک، تحولی بنیادین است.

بنابراین والدین در ارتباط با فرزندان خود مشکل چندانی ندارند؛ اما در تعارض با ساختار، والدین باید بتوانند میان‌داری کنند تا فرزندان دچار صدمه نشود. اصل اول در ارتباط مؤثر با فرزندان جوان و نوجوان، به رسمیت شناختن‌شان است. آنها را همان‌گونه که هستند و فکر می‌کنند، بپذیرید و به آنان احترام بگذارید. درصدد تحمیل فکر و ایده خود نباشید که تأثیری نخواهد داشت. برخی والدین، عادت دارند از موضع بالا با فرزندان‌شان ارتباط برقرار کنند. خود را عاقل‌تر و مجرب‌تر می‌دانند و انتظار دارند آنها حرف‌گوش‌کی و مطیع باشند. نسل Z این چنین نیستند و در اتمسفر دیگری سیر می‌کنند. پس در یک موضع برابر و با احترام به عقاید و دیدگاه‌های آنها ارتباط برقرار کنید.

اصل دوم این است که خوب گوش کنیم. گاهی ما والدین، دوست داریم حرف بزنیم و

فرزندان گوش کند و اگر سؤالی دارد، محترمانه بپرسد. بعد کفایت مذاکرات می‌کنیم و معمولا دوست نداریم با مخالفت و تخظنه و انتقاد آنها روبه‌رو شویم. درست این است که سعی کنیم با حوصله و طمأنینه، به حرف جوان، همدلانه گوش دهیم. وسط حرفش نپریم. اشتباه او را به‌سرعت به رخش نکشیم. خود را عاقل‌تر و بالاتر جلوه ندهیم؛ حتی در مواردی که مخالفت جدی با حرف‌های او داریم و از مواضعش عصبانی هستیم، خود را آرام نشان دهیم و اجازه دهیم همه حرف‌های خود را بزنند. موقع حرف‌زدن فرزندانم، ارتباط چشمی بگیریم و با تکان دادن سر، نشان دهیم که داریم خوب گوش می‌کنیم. به والدین عزیز توصیه می‌کنم صریح و صادق باشید. ابهام و عدم صداقت، سرمنشأ اختلال در ارتباط است. اگر ارتباطی فاقد صراحت و صداقت باشد، بدون شک یا قطع خواهد شد یا به شکل مخدوش، مبهم و ناسالم ادامه می‌یابد. اگر نتوانیم با نواهییم منظور خود را با صراحت به فرزندان بیان کنیم، او به اشتباه می‌افتد و با توسل به حدس و گمان، از واقعیت دور می‌شود. در همین قضایای اخیر، بسیاری از خانواده‌ها، با فرزندان خود همدل هستند. آنها از شرایط کشور رضایت ندارند؛ اما برای حفظ فرزند خود از خطرات، دیدگاهی را مطرح می‌کنند که واقعا آن را قبول ندارند. بادش

بخیر، در دوران جنگ، غالباً فرزندان با والدین خود برای کسب اجازه اعزام به جبهه مشکل داشتند. والدین اگر چه با آنها همدل بودند که باید در جنگ حضور یافت و از مام میهن دفاع کرد؛ اما نمی‌خواستند برای سلامتی فرزندان‌شان مسئله‌ای پیش بیاید؛ بنابراین همدلی خود را پنهان می‌ساختند و سعی می‌کردند که تصمیم فرزندان‌شان را تغییر دهند. الان هم اغلب خانواده‌ها در اعتراض به تبعیض و ناکارآمدی و مشکلات عدیده دیگر، همداستان هستند؛ اما راضی نمی‌شوند که فرزندان‌شان دچار خطر شود و صدمه‌ای ببیند. در اینجا لازم است والدین با صراحت کامل صحبت کنند و بر رعایت چارچوب‌ها و ظرفیت‌ها و امکانات اعتراض و اظهارنظر و لزوم پرهیز از خشونت و تندروی تأکید داشته باشند. نسل Z دوست دارد افکار، آرزوها، تمایلات، نگرانی‌ها می‌کنیم یا باید نظرات و احساسات آنها را در یک نماد یا به نوعی نظرات و احساسات خودمان را در نگرانی‌ها، ترس‌ها و مشکلات، همدلی و همدردی کنیم. همدردی تلاشی است برای درک و فهم دنیای ذهنی‌ او. برای همدلی، باید بتوانیم خودمان را جای جوان و نوجوان‌مان بگذاریم و از دریچه چشم او، نگاه و احساس کنیم. در برخورد همدلانه لازم نیست نظر او را بپذیرید؛ به جای آن با تکرار صحت یا احساساتش را تصدیق کنید. همچنین نیازی نیست در مقابل حرف‌های فرزندان‌تان، قضاوت و نتیجه‌گیری کنید. مسا اغلب‌ا درصدد ارزیابی فرزندان خود هستیم و فکر می‌کنیم یا باید نظرات و احساسات آنها را در یک نماد یا به نوعی نظرات و احساسات خودمان را تحمیل کنیم. پذیرفتن این نکته که فرزند ما، الزاما مانند ما فکر نمی‌کند، احساس نمی‌کند و به روش خود به دنیا نگاه می‌کند، بسیار اساسی است.

حال اگر پذیرفتیم که فرزند من، مثل من نیست، آن‌گاه می‌توانیم به شیوه مناسب با نظرات و عقاید آنها که به نظر ما صحیح نیستند، مخالفت کنیم و بدون بحث و جدل مخرب که غالباً همراه با بلندکردن صدا، داد و فریاد، خشم و غضب است، به نتیجه مناسب دست یابیم. خوب است این روزها در کنار فرزندان‌مان باشیم. دست نوازش بر سرشان بکشیم. بیوسیم، بیوییم و آنها را تنها نگذاریم. با نسل Z دوستی کنیم.

یاد

سخنی در سالگرد رفتن کامبیز



داود احمدی‌مونس (آرویمن)

کارتنویست مستقل

یک سال پیش در چنین روزی یکی از مهم‌ترین هنرمندان این مرزوبوم که از قضا کارتنویست بود، بر اثر پاندمی مضحک و منحوس موسوم به کرونا از میانمان رفت. کامبیز درم‌بخش را از دست دادیم. مردی که از پدر به من نزدیک‌تر بود و رفیق بود و نه فقط برایم در مقام یک استاد.

قصد داشتم و هماهنگ کرده بودم به یاد استاد کامبیز درم‌بخش به مناسبت سالگرد درگذشت فریگی‌شان در خانه هنرمندان برنامه یک‌ساعته و نکوداشتی داشته باشیم. وانگهی با توجه به شرایط کنونی و در مشورت با دوستان و همکاران و خانواده محترمشان طبق این شرایط تصمیم بر لغو مراسم گرفته شد.

استاد، شما فردای روزی درگذشتید که نمایشگاه نقاشی از کودکان که به یاد رفگان پرواز اوکران در خانه هنرمندان تدارک دیده بودم و با وجود همه مجوزهای قانونی، در آخرین لحظه لغو شده بود و خستگی حمالی و هزار برنامه‌ریزی و زحمت را بر شانه‌هایم باقی گذاشته بود. وانگهی همه درد آن کنسلی، با درد خبر رفتن در دلم جا ماند و من به ناچار جهت تشییع پیکر در همان سرا باید می‌بودم. همین شد که کلا بی‌خیال و منصرف از آن نمایشگاه شدم.

در این یک سال رفته نیازی به گفتن نیست که بارها خودم و همه شاگردان، همکاران و هواخواهان درباره‌ات نوشته‌اند در مطبوعات و رسانه‌ها. بپوش اگر امسال برنامه یادبودت مانند همان پارسل گره خورد به حوادث آبان . باشد که سالی دیگر سالت را در محلی مناسب و ججا، به جا آوریم. شما جاودانه‌اید و این جاودانگی یک سال و دو سال نمی‌شناسد.



♦ خانه عرب‌مازار از بناهای تاریخی دوره قاجاری در شهر یزد که از مرداد ۱۳۸۴ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده، در حال تخریب و فروپاشی است.

عکس: مجید دهقانی زاده، مهر

یادداشت

نسل برتر

نادر مهرابی‌مراد، اوایل دهه هشتاد دوستی داشتم که همیشه می‌گفت «بچه که بودیم دوره پدرسالاری بود، حالا که پدر شدیم دوره فرزندسالاری شده، بیچاره ما که هیچ‌وقت سالار نبودیم و خوشا به حال بچه‌های ما که از اول سالار به دنیا اومدن».

ایسن جملات خیلی عامیانه بود؛ اما امروز و پس از اتفاقات اخیر و دیدن تصاویر بچه‌های دهه‌های هفتاد و هشتاد به عمق جمله آن دوست قدیمی بی می‌برم: «نسل سالار»؟!

این نسل از بدو تولد مورد توجه خانواده بوده و پدرها و مادرها فارغ از اینکه در یکی از بدترین دوره‌های اقتصادی بوده‌اند، حداکثر تلاش را به خرج دادند تا بهترین شرایط برای رشد و پیشرفت فرزندان‌شان مهیا باشد. این نسل هرچه خواسته به دست آورده، یا دلربایی از والدین یا با قهر و لجاجت؛ اما به دست آورده! (البته نسبت به والدین و نه هم‌نسل‌های خودشان در جهان اول).

این نسل در مدرسه و در مقابل هرگونه درشتی و پرخاش معلمان به مقابله برخاسته بی آنکه ترسی از تنبیه در مدرسه و تنبیه مجدد در خانه داشته باشد؛ بلکه برعکس، خانه و خانواده حامی فرزندان بودند و گویی سرحدات خانه تا درون کلاس و مدرسه پیش رفته و این چتر حمایتی در همه‌جا گسترده شده ایت. در کنار این حمایت‌های بی‌ریغ، این نسل در دنیایی پای نهاده که از بدو تولد شاهد انقلابی عظیم در رسانه‌های جمعی و ارتباطی بوده و این اتفاق باعث تحولی بزرگ در دنیای آنها شده، سطح اطلاعات و ارتباطاتی که وری با بور نسل‌های گذشته است.

این حمایت‌ها و تحولات باعث اعتماد به نفسی شگرف در آنها شده؛ به نحوی که گویی همیشه و در همه حال حق با این کودکان دیروز و نوجوانان امروز است.

این نسل دیده و لمس کرده کسانی که آنها را به دنیا آورده‌اند، با همه توان تلاش می‌کنند که رضایت‌شان را جلب کنند؛ اما آنها همیشه و در همه حال این تلاش‌ها را کم دانسته، ناراضی بوده‌اند و هستند و حالا که پای در دنیای واقعی و خارج از حریم خانه و خانواده گذاشته‌اند، با انبوهی از مشکلات مواجه شده‌اند، مشکلاتی که خارج از تصور آنهاست. این نسل با ناامیدی به مسائلی مانند ازدواج، شغل، مسکن و… می‌نگرد.

پارادوکس خارج از انتظار دنیای درونی و اعتماد به نفس با دنیای بیرونی و ناامیدی، این نسل را متحیر و سردرگم کرده و این تحیر و سردرگمی عاملی شده تا آنها برخلاف نسل‌های پیش از خود بینند و نشنوند و تا زمانی که تغییری را لمس نکنند، نپذیرند، گویی که کر و کور هستند و از حواس پنج‌گانه فقط حس لامسه در آنها باقی مانده و شاید آنها حس ششمی هم دارند؛ حسی که ما از درک آن عاجزیم؛ زیرا این نسل را باید «نسل سالار» نامید.

♦**دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی**

اتفاق‌خوانی

۱۸ نفر نامزد حضور در هیئت‌مدیره

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران

مجمع عمومی نوبت اول فوق‌العاده و عادی روزنامه‌نگاران استان تهران پنجشنبه سوم آذر در محل دفتر انجمن برگزار خواهد شد. طبق هماهنگی‌های صورت‌گرفته میان انجمن تهران و وزارت کار، تا شنبه ۱۴ آبان، ۱۳ نفر برای هیئت‌مدیره و پنج نفر برای بازرسی این دوره نامزد شده‌اند. کاندیداهای هیئت‌مدیره را میثا شهنی، فیاض زاهد، اکبر منتجبی، مجید صیادی، پدram الوندی، مرتضی کاردر، شاهد جلاج‌نیشابوری، امین

شول‌سیرجانی، محمد منتظری، نغمه دانش‌آشتیانی، حمید اسلامی‌راد وعصمت پناهی تشکیل می‌دهند. برای بازرسی نیز حسین نورنی،ایمان حلاج‌می، فرام شیرزادی، حامد شفیعی و حجت‌اله بیرامی کاندیدا شده‌اند.

هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به علت پایان‌یافتن مهلت قانونی کاندیداتوری نمی‌تواند نامزدهای جدید را بپذیرد و از این‌بابت از اعضای که دیرهنگام اعلام کاندیداتوری کرده‌اند عذرخواهی می‌کند.

مجمع عمومی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران که دوم شهریور امسال برگزار شده بود، با شکایت دو عضو انجمن باطل شد و تکرار مجمع و انتخابات جدید به همین دلیل صورت می‌گیرد.

قرار است در مجمع این دوره تبصره‌های ماده ۱۰ و ماده ۳۱ اساسنامه اصلاح شود. تبصره پنج ماده ۱۰ می‌گوید: وکیل و موکل باید یک هفته قبل از برگزاری مجمع توأمان با حضور در محل اقامتگاه قانونی انجمن صنفی، فرم مخصوص وکالت‌نامه را تکمیل کنند و به مقامات دعوت‌کننده تحویل بدهند. همچنین تبصره ماده ۳۱ از فصل چهارم اساسنامه که می‌گوید کاندیداهای هیئت‌مدیره و بازرسان باید ۲۰ روز پیش از برگزاری مجمع، درخواست کاندیداتوری خود را به صورت مکتوب ارائه دهند.